

E/Dr
I. v. (s. 1)

S-79.

1982

Var
TTM

'ABBĀS B. HOSAYN ŠIRĀZĪ, ABU'L-FAZL, Buyid vizier, d. 362/973. He first appears after the death of Mohallabī, the Shi'ī vizier of Mo'ezz-al-dawla, as chief of the *diwān al-naḥāqat*, the bureau of expenditures. He was subsequently charged with the functions, but not the title, of the vizierate jointly with Ebn Fasānjos (Abu'l-Faraj), another official of the regime. The history of the period is characterized by rivalries among high dignitaries in the administration and their clients, the amassing of considerable fortunes, and maneuvers to force restitution from those who benefited from their positions. 'Abbās b. Hosayn was no exception to this rule. He was the son-in-law of Mohallabī, with whom he had come from Shiraz; though of middle class origins, he was enormously rich and able to offer to his princely patrons banquets that have been remembered in the literature (see Hoṣrī, *Dayl zahr al-ādāb*, Cairo, 1353/1934, pp. 275f.).

In 356/987 he was named vizier by Bakṭiār, the successor of Mo'ezz-al-dawla, who did not have the capacities of his father. Although 'Abbās had contributed to the quelling of several revolts, he was attacked by the Turkish *hājeb*, Soboktegin, and by Ebn Fasānjos, who succeeded in having him dismissed and subjected to enormous reparations. But 'Abbās succeeded in recapturing the vizierate and subjecting Ebn Fasānjos to the same treatment that

he himself had received. He was in turn toppled by the new favorite of Bakṭiār, Ebn Baqīya, an equal master of intrigue, who charged him with extorting money (from, e.g., the *demmis*—those non-Muslims who were allowed to retain their religion and paid a tribute) to pay the troops and to make good his promises to the princes. 'Abbās was imprisoned at Kūfa and soon died there, perhaps from poisoning.

Bibliography: Ebn Meskavayh, *Tajāreb*, index. Tanūkī, *Neswar al-moḥāzara wa aḳbār al-modākara*, ed. 'A. Saljī, Beirut, 1971-73, I, p. 215. M. B. 'Abd-al-Malek Hamadānī, *Takmilat ta'riḳ al-Ṭabari*, ed. A. J. Kan'ān, Beirut, 1959, index. M. Canard, "'Abbās b. Ḥusayn," *EP* I, p. 11. Busse, *Chalif und Grosskönig*, index.

(C. CAHEN)

Ismail Erünsel

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، تهران، ۱۳۷۳.

ابوالفضل و ابوالفرج اختلاف افکنند، تا بتواند توسط یکی از ثروت دیگری بهره‌مند شود. در این زمان ابوالفضل به کمک شیرزاد بن سرخاب، کاتب ایرانی بختیار، از غیبت ابوالفرج که در عمان به سر می‌برد، بهره جست و برای دستیابی به منصب وزارت کوشید و با پذیرفتن شروط وزارت - از جمله سامان دادن به کار سپاهیان ترک و دیلم - به وزارت نشست (ابوعلی مسکویه، ۲۳۴/۲ - ۲۳۵، ۲۳۶ - ۲۳۸، ۲۳۸ - ۲۴۰، ۲۴۲؛ همدانی، ۱۹۹). آنگاه به سرکوب حبشی برادر بختیار که به تحریک اطرافیان، از فرستادن خراج بصره به بغداد سرباز می‌زد، مأمور شد و با حيله، حبشی را در جنگ شکست داد و او و تمامی افراد خانواده و نزدیکانش را دستگیر و اموال بسیاری از آنان را بصادره کرد. این پیروزی سبب فزونی قدرت و تسلط ابوالفضل بر کارها گردید (ابوعلی مسکویه، ۲۴۲/۲ - ۲۴۷).

در ۳۵۸ ق کمی پس از تبعید شیرزاد بن سرخاب، یا در ۳۵۹ ق (همو، ۲۶۰/۲؛ همدانی، ۲۰۴)، ابوالفضل از وزارت خلع شد و سپس دستگیر و اموالش بصادره گردید. سعایت شیرزاد از وزیر - که وی را در تبعید خویش دخیل می‌دانست - نزد بختیار و اتفاق دشمنانش ابوقره حسین بن محمد قنّانی (عامل واسط)، سبکتکین حاجب و ابوالفرج بن فسانجس بر ضد وی، از عوامل برکناری او بودند (ابوعلی مسکویه، ۲۵۷/۲ - ۲۶۳).

ابوالفرج با تعهد مصادرهٔ ۹۰۰۰۰۰۰۰ درهم از اموال ابوالفضل و کارگزارانش به وزارت بختیار دست یافت، اما وزارت او نیز به علت اختلافش با ابوقره دیری نپایید و ابوقره موجبات عزل او و انتصاب مجدد ابوالفضل شیرازی را به وزارت فراهم آورد. در شعبان ۳۶۰ / ژوئن ۹۷۱ هنگامی که ابوالفرج در اهواز به سر می‌برد، به دستور بختیار، دستگیر و اموالش بصادره شد. مدت وزارت ابوالفرج را ۱۳ ماه و ۳ روز نوشته‌اند (همو، ۲۶۳/۲ - ۲۶۹، ۲۸۳؛ همدانی، ۲۰۸؛ تنوخی، ۲۲۰/۲).

ابوالفضل آنگاه از سوی بختیار برای پیکار با عمران بن شاهین به جامه رفت و پس از یک سال نبرد به موفقیت‌هایی دست یافت (ابوعلی مسکویه، ۲۹۶/۲؛ همدانی، ۲۰۹). او باقی ماندهٔ دورهٔ وزارت خود را مصروف مقابله با رقبای خود کرد. در همان سال اموال ابوقره توسط وی بصادره شد و خود او به قتل رسید (ابوعلی مسکویه، ۲۸۷/۲ - ۲۸۹؛ همدانی، همانجا). در پی اقدام سبکتکین حاجب برای آزادی ابوالفرج و سپس پنهان کردن وی، ابوالفضل برای از بین بردن قدرت حاجب دست به حيله زد و به قصد تفرقه‌افکنی میان ترکان، بختکین آزادرویه را به واسط دعوت کرد تا او را جانشین سبکتکین کند، اما از این ترفند بهره‌ای نبرد (ابوعلی مسکویه، ۲۹۲/۲ - ۲۹۳).

در ۳۶۱ ق در پی حملهٔ رومیها به سرزمینهای اسلامی و تصرف نصیبین، مردم و امرای آن نواحی به کوفه نزد بختیار رفتند و او را برای جهاد با کفار تحت فشار قرار دادند. بختیار نیز محمد بن بقیه را برای میانجیگری میان ابوالفضل و سبکتکین به بغداد فرستاد و آن دو را

محمدکاظم امام، تهران، ۱۳۳۸ ش؛ عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکره الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش؛ قرآن مجید؛ محمد بن منور، اسرار التوحید، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۶۶ ش؛ میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار، به کوشش علی‌اصغر حکمت، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ نوربخش، محمد، «سلسله الاولیاء»، جشن نامهٔ هائری کرین، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ هجویری، علی، کشف المحجوب، به کوشش و ژوروفسکی، تهران، ۱۳۵۸ ش. نجیب مایل هروی

ابوالفضل شیرازی، عباس بن حسین بن عبد بن فاخر (۳۰۳ - ۳۶۲ ق / ۹۱۵ - ۹۷۳ م)، وزیر دو تن از امیران آل بویه عراقی. از پیشینهٔ خاندان او، جز اینکه گفته شده جدش فاخر پینه‌دوز بوده است، اطلاعی در دست نیست. ابوالفضل در شیراز متولد شد. ظاهراً تحصیلات چندانی نداشته، اما نزد امیران آل بویه به بزرگی و شایستگی در تدبیر امور معروف بوده است و آنان وی را «شیخ» می‌خوانده‌اند. بنا بر نوشتهٔ حصری پس از آنکه معزالدوله احمد بن بویه (نک: ه، ۶۳۳/۱) بر بغداد چیره شد (۳۳۴ ق)، ابوالفضل به دعوت او بدانجا رفت (ص ۳۳۲ - ۳۳۵). این روایت می‌نماید که وی پیش از آن، در فارس در خدمت معزالدوله بوده است؛ البته این قول درست‌تر از آن است که نوشته‌اند وی به همراه معزالدوله وارد بغداد گردید (نک: همدانی، ۲۰۴).

ابوالفضل در ۳۴۹ ق / ۹۶۰ م با دختر ابومحمد حسن بن محمد مهلبی (نک: ه، ۱۶۶/۲) وزیر معزالدوله ازدواج کرد و این امر سبب نفوذ و برتری وی بر اقارانش نزد وزیر گشت (ابوعلی مسکویه، ۱۸۱/۲؛ همدانی، همانجا). در ۳۵۲ ق که مهلبی برای حمله به عمان در بصره به سر می‌برد، ابوالفضل به همراه ابوالفرج محمد بن عباس بن فسانجس (د ۳۴۲ ق) جانشین وزیر در بغداد بود. تعلق مهلبی برای حمله به عمان سبب خشم امیر دیلمی شد و او را به بغداد فراخواند، اما مهلبی در راه بیمار شد و در شعبان همین سال درگذشت. چون این خبر به بغداد رسید، ابوالفضل شیرازی و ابوالفرج بن فسانجس، خانوادهٔ وزیر را دستگیر کردند و نزد معزالدوله بردند و برای یافتن محل اموال مهلبی به شکنجهٔ آنان پرداختند (ابوعلی مسکویه، ۱۹۶/۲ - ۱۹۸؛ همدانی، ۱۸۴ - ۱۸۵؛ تنوخی، ۴۹/۴ - ۵۱، ۱۲۳). پس از آن، معزالدوله رشتهٔ کارها را به ابوالفضل شیرازی و ابوالفرج بن فسانجس سپرد، بی‌آنکه به آنها نام وزیر دهد.

در سالهای ۳۵۴ و ۳۵۵ ق ابوالفضل شیرازی با صرف میلیونها درهم، دو میهمانی بزرگ و باشکوه برای معزالدوله ترتیب داد تا شاید بتواند نظر او را برای وزارت انحصاری خود به دست آورد (حصری، ۳۳۳ - ۳۳۵؛ همدانی، ۲۰۴ - ۲۰۵). در ۳۵۵ ق ابوالفضل از سوی معزالدوله مأمور جنگ با عمران بن شاهین شد، ولی کاری از پیش نبرد و با مرگ معزالدوله در سال بعد کارشان به صلح انجامید (ابوعلی مسکویه، ۲۱۸/۴، ۲۳۱).

پس از معزالدوله پسرش عزالدوله ابومنصور بختیار (نک: ه، ۶۳۴/۱) به قدرت رسید. بختیار برخلاف وصیت پدر کوشید میان

Albany b. Huseyin es-Sirazi
MAHMOUD HUSSEIN
SOURA, LIBRARY OF THE
21 EYDOL 1996

Abbas b. Hoseyin es-Sirazi (أبو عباس)

A

21 JUN 2014

MUSEUM VAN LEIDEN
ORIENTALISCHES INSTITUUT
P.O. BOX 317
3720 BH LEIDEN, THE NETHERLANDS

‘Abbās b. al-Ḥusayn al-Shīrāzī

Abū l-Faḍl ‘Abbās b. al-Ḥusayn al-Shīrāzī (b. 303/915–6, d. 363/973–4) was a leading official and *wazīr* under the Būyid *amīrs* Mu‘izz al-Dawla and ‘Izz al-Dawla Bakhtiyār in Baghdad. Born in Shīrāz, he was in the entourage of Mu‘izz al-Dawla (r. 320–56/932–67) when the latter took Baghdad in 334/945–6. His fortunes rose under the *wazīr* al-Muhallabī, whose daughter he married in 349/960–1. After al-Muhallabī’s death in Sha‘bān 352/August 963, Abū l-Faḍl and Abū l-Faraj, Muḥammad b. al-‘Abbās b. Fasānjus (d. after 366/977) were jointly charged with the administration. When Mu‘izz al-Dawla died, in Rabī‘ II 356/March–April 967, Abū l-Faḍl was quick to secure the support of the new *amīr*, ‘Izz al-Dawla (r. until 367/978), now assuming the title and function of *wazīr*. While his rival Abū l-Faraj succeeded only in replacing him between late 359/970 and Rajab 360/May 971, Abū l-Faḍl’s second term ended abruptly with his arrest in Dhū l-Ḥijja 362/September 973. He died, allegedly poisoned, in Kufa in Rabī‘ II 363/December–January 973–4.

The constant shortage of public funds forced Abū l-Faḍl regularly to extract fines or appropriate land from leading officials, which made him powerful enemies and led to his downfall. At the same time, the expensive and extravagant festivals held in his palace attracted great attention from the most prestigious social circles in Baghdad (al-Ḥuṣrī, 381–4). During his second *wazīrate*, Abū l-Faḍl forced the caliph al-Muṭī‘ (r. 334–63/946–74) to sell some of his property to finance an expedition against the Byzantines, provoking a public outcry. A devastating fire in the Shī‘ī district of Karkh in Baghdad, set intentionally and on the order of Abū l-Faḍl by one of his attendants, brought down on him additional anger from the Shī‘ī community. When Abū l-Faḍl fell in a plot by his successor, Ibn Baqiyya (d. 367/977–8), he was “isolated and friendless” (Miskawayh, 2:309).

The *inshā’* (epistolography) collection of al-Ṣābi’ (Hachmeier) preserves some letters written for Abū l-Faḍl, dealing with land administration and diplomatic exchanges with neighbouring powers—the Qarmatians, the Ḥamdānids, the regent of Egypt Kafūr al-Ikhshīdī, and the ruler